



عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیکست: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۴. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

واکاوی حق آزادی بیان اتباع خارجه در ایران از منظر فقه اهلبیت ، حقوق ایران و اسناد بین المللی	۷
بررسی تطبیقی روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی (با تاکید بر تفسیر المیزان) و ژان پیازه	۲۳
حکمرانی مهاجرت در ایران: خلاهای سیاست گذاری و چالش های مدیریتی	۴۳
آثار ایمان از منظر قرآن و روایات اسلامی	۶۶
مبانی اسلامی مقاومت در برابر اشغالگری؛ تبیین و تحلیل دیدگاه های قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی	۹۰
مشارکت سیاسی زنان در تصدی مناصب دولت اسلامی	۱۰۴
منع تسلط کفار بر ممالک اسلامی از منظر فقه	۱۲۲
تحلیل حدیث رفع و تبیین حکم رفع شده در «مالایعلمون»	۱۵۲
بررسی ماهیت جرم ارتداد (حدی یا تعزیری)	۱۶۴
بررسی قیاس و کاربرد آن در نظام حقوق کیفری ایران و افغانستان	۱۸۱

مطبوعاتي اسماعيليان.

۳۰. موسوي خميني، الله سيدروح، (۱۳۶۸) كتاب البيع (جلد ۱ و ۲) قم،

مؤسسة اسماعيليان.

۳۱. آصفي، محمد مهدي (۱۳۸۴) زن و ولايت سياسي وقضايي، فصلنامه

تخصصي فقه اهلبيت، شماره چهل و دوم.

۳۲. واثقي راد، محمد حسين (۱۳۷۷) گزارشي از آراء و ديدگاهها در باب داوري

زنان، فصلنام فقه، كاوشي نو در فقه اسلامي، ۱۵-۱۶.

۳۳. ۱۴۰۴/ علي احمد اميري./ تلفن: ۰۹۱۹۱۷۱۱۰۶۵



سال پنجم، بهار ۱۴۰۴، شماره ۱۸

منع تسلط کفار بر ممالک اسلامی از منظر فقه، بر مبنای محور هفتم بیانیه گام دوم انقلاب

امان الله فیاض^۱

چکیده: قرآن کریم، سلطه‌ی کفار بر مؤمنان را ممنوع اعلام نموده است. قاعده نفی سبیل زیر بنا و اساس روابط خارجی دنیای اسلام با بیگانگان را مشخص می‌کند. سؤال این است که آیا قاعده‌ی نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی، با بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ارتباط دارد؟ مفهوم نفی سلطه‌ی کفار بر مسلمین عام است؛ زیرا واژه «سبیل» که از قبیل نکره در سیاق نفی است افاده عموم می‌کند. بنابراین، آیه دارای مفهومی عام است که می‌تواند شامل «نفی سلطه در تکوین و در حوزه تشریع احکام و نفی غلبه در حوزه احتجاج و برهان و ...» باشد. به بیان دیگر قاعده نفی سبیل هر نوع سلطه و غلبه را نسبت به مسلمان و ممالک اسلامی نمی‌پذیرد. در شرایط حاضر که نفوذ کشورهای بیگانه بر مسلمانان و کشورهای آنان سایه افکننده است، یکی از بهترین راه‌ها برای نجات و بیرون رفتن از این وضع ذلت بار، توجه و عینیت بخشیدن به این قاعده محکم فقهی است. نفی سلطه‌ی کفار بر سرنوشت امت اسلامی (بر اساس مبانی اسلامی) با بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ارتباط دارد. زیرا، استقلال، عزت، کرامت مؤمنان و پیشرفت امت اسلامی که در بیانیه اظهار شده زمانی ممکن است که کشور اسلامی زیر سلطه‌ی کفار نباشد و خود تصمیم مستقل بگیرد.

کلید واژه‌ها: مؤمنان، اسلام، کفار، منع سلطه، فقه، بیانیه‌ی گام دوم.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، رایانه:

۱. مقدمه

قاعده نفی سبیل از جمله قواعد است که در روابط حقوقی مسلمانان با غیر مسلمانان نقش تعیین کننده‌ای دارد و به عنوان شاخص مطمئن برای تعدیل و تنظیم روابط یادشده به کار می‌رود و حافظ استقلال، عزت و شرافت مسلمانان است. در جهان امروز که کشورهای استعمارگر به دنبال نفوذ و سلطه بیش‌تر بر ممالک اسلامی هستند و برنامه‌های زیادی را جهت استیلا و تسلط بر ممالک اسلامی برنامه‌ریزی می‌کنند تا به اهداف‌شان برسند. از اینرو، با عمل قوانین قرآن کریم از جمله قاعده نفی سبیل، می‌توان ضمن تعدیل تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و حقوقی با کشورهای غیر مسلمان، از سلطه‌ی مستکبران بر کشورهای اسلامی، جلوگیری نمود.

۲. مفهوم شناسی

معنای قاعده عدم مجاز بودن شرعی و فقهی سلطه‌ی کفار بر مسلمین است؛ زیرا در میان امت اسلامی، مؤمنان نیز وجود دارند که سلطه‌ی کافران بر آنان مطلوب خداوند نیست. با این وجود، اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی معاصر، قاعده‌ی «نفی سبیل» که بر منع سلطه‌ی کفار بر مسلمانان تأکید دارد، علی‌رغم تصریح منابع فقهی شیعه و سنی، در عرصه‌های سیاست‌گذاری عملی مورد غفلت قرار گرفته است. این بی‌توجهی که عمدتاً ناشی از وابستگی‌های سیاسی و مصالح سنجی‌های غیر دینی است، نه تنها با مبانی فقه اسلامی ناسازگار است، بلکه استقلال امت اسلامی را نیز تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد بازنگری در سیاست‌های بین‌المللی کشورهای اسلامی و پایبندی به قواعد همچون قاعده‌ی «نفی سبیل» گامی ضروری در جهت تحقق رویکردی اسلامی مبتنی بر شریعت است؛ امری که از طریق همکاری و تعامل میان کشورهای اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتهادی مذاهب مختلف اسلامی قابل تحقق خواهد بود.

آیهی نفی سبیل سلطه‌ی کفار

«... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، (نساء: ۱۴۱) خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان، تسلط نداده است». نخست، لازم است مفردات آیه بررسی گردد که منظور از جعل نفی الهی در مورد تسلط کفار بر سرنوشت مؤمنان، چیست؟

۱-۲. جعل

معنای لغوی جعل

جعل در لغت، به معنای وضع کردن و قرار دادن است (جَعَلَ الشَّيْءَ، جَعْلًا، ای وَضَعَهُ)، (ابن منظور، ۷۱۱: ۱۱۰، حسینی زبیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

معنای اصطلاحی جعل

اکنون باید پرسید منظور از کلمه جعل در آیه فوق چیست؟ آیا در قلمرو تشریع و قانونگذاری حکمی را خداوند وضع نکرده که سبب تسلط کافران بر مؤمنان گردد؟ یا اینکه در جهان عینی و تکوینی، سلطه‌ی کافران بر مؤمنان مطلوب الهی نیست؟ بر این اساس، جعل در معنای اصطلاحی به تشریعی و تکوینی تقسیم شده است و دو دیدگاه در تبیین معنای جعل به منظور به‌دست آوردن پاسخ پرسشهای مذکور، لازم است بررسی گردد.

الف) نفی جعل تشریعی سلطه‌ی کفار

نظریه‌ی نخست در تفسیر آیه‌ی مذکور این است که منظور از نفی سبیل در آیه‌ی فوق، نفی جعل تشریعی است. به این معنا که خداوند متعال در عالم تشریع و قانون گذاری، حکمی که موجب سبیل و سلطه کافران بر مؤمنان باشد، وضع نکرده است، (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸) جالب این که خداوند در آیه‌ی مزبور تسلط کفار بر مسلمین را با حرف «لن» نفی نموده است که مطابق قواعد ادبی «لن» برای نفی ابد (نفی دائمی) استعمال می‌شود.

همچنانکه نفی ابد در مورد روئیت خداوند در پاسخ حضرت موسی، اظهار شده است: «... قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ

اَسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي...»، (اعراف: ۱۴۳) موسی عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم! خداوند گفت: هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!

بنابراین، با تمسک به مفاد نفی ابدی کلمه‌ی «لن»، مطابق این دیدگاه می‌توان گفت، کفار در تمام زمان‌ها از نظر تشریعی، راه نفوذ و تسلط بر امت اسلامی را ندارند.

به تعبیر دیگر، کفار هیچ‌گاه مجاز نیست که به لحاظ قانون شرعی و فقهی بر سرنوشت امت اسلامی در گستره‌ی نظامی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و غیره، بر امت اسلامی تسلط یابند.

ب) نفی جعل مطلق سلطه‌ی کفار نظریه‌ی امام خمینی (رحمة الله علیه) دیدگاه دوم معتقد است که نفی سلطه‌ی کفار بر مؤمنان به طور مطلق است که شامل جعل تشریعی و تکوینی می‌شود. امام خمینی (ره) با ارائه‌ی این نظریه، آراء مفسران و محققانی که جعل در آیه‌ی مذکور را فقط تشریعی دانسته‌اند، مردود شمرده است.

براین اساس، منظور از نفی جعل سلطه‌ی کفار در آیه‌ی مذکور شامل نفی جعل در قانون گذاری تشریعی و نفی جعل تکوینی می‌شود. از اینرو، در تکوین، و جهان عینی نیز اراده‌ی خداوند بر این است که کفار سلطه و غلبه‌ی بر مؤمنان نداشته باشند، (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱: ۷۲۳).

در مقابل برخی بر این باورند که آنچه با ظاهر آیه‌ی شریفه تناسب دارد و در تعاملات سیاسی و اجتماعی نیز قابل مشاهده است، نفی جعل تشریعی است؛ چرا که آیه‌ی «نفی سبیل» ناظر به مقام تکوین و روابط خارجی میان کافران و مؤمنان نیست. افزون بر این، در مقام تکوین نیز عدم سلطه‌ی کافران بر مؤمنان در همه‌ی کشورهای اسلامی محقق نشده است؛ هرچند برخی کشورهای اسلامی روابط سیاسی و اقتصادی خود را با قدرت‌های سلطه‌گر برقرار کرده‌اند؛ اقدامی که با اصول و آرمان‌های اصیل جهان اسلام ناسازگار است.

بنابراین، شارع مقدس در مقام تشریع و قانون گذاری اعلام می‌نماید که خداوند

هرگز حکمی که موجب سبیل و سلطه کافران بر مؤمنان باشد، تشریع نکرده است. در واقع این آیه شریفه در مقام بیان یک قاعده کلی در جامعه اسلامی است که بر اساس آن، هر حکم، عمل و قرار دادی که سبب علو و استیلاي کافران بر مؤمنان شود، جعل تشریعی ندارد و منتفی است.

براین اساس، قاعده نفی سبیل بر ادله اولیه متکفل احکام واقعی، حکومت دارد. مثلاً پدر یا جد پدری به تشریع خداوند، بر فرزن خود ولایت دارد، اما اگر پدر یا جد پدری کافر باشد، این ولایت از او سلب می‌شود. چرا که در این جا قاعده نفی سبیل حاکم بر ادله اولیه ولایت است. چون ولایت یک گونه سبیل و علو ولی نسبت به مولی علیه است و بر اساس آیه شریفه، سبیل و علو کافر بر مؤمن منتفی است. بنابراین قاعده نفی سبیل بر ادله اولیه متکفل احکام، حکومت دارد، (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۷).

۳. جامعیت دیدگاه نفی جعل مطلق سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی

دیدگاه امام خمینی (ره) که اطلاق آیه نفی سلطه را شامل نفی هرگونه سلطه‌ی کفار، از جمله در حوزه‌ی تقنین (تشریع) و نیز سلطه‌ی بیرونی و تکوینی می‌داند، از جامعیت و شمول بیشتری نسبت به دیدگاه نخست بر خوردار است. با این حال، با توجه به واقعیت‌های موجود، شواهد متعددی نشان می‌دهد که در عرصه‌ی تکوین، سلطه‌ی کفار بر بسیاری از کشورهای اسلامی به‌روشنی قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که این سلطه در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی به‌طور ملموس بر این کشورها اعمال می‌گردد.

۱. به‌دلیل بی‌توجهی اکثریت امت اسلامی به قوانین الهی، زمینه‌ی سلطه‌ی کفار بر مسلمانان فراهم شده

است؛ چرا که خداوند در قرآن کریم، مؤمنان را از دوستی و پیروی از کفار نهی کرده است. با این حال، برخی دولت‌های اسلامی به‌جای دفاع از مسلمانان تحت سلطه، با قدرت‌های بیگانه قرار دادهای تجاری، اقتصادی و نظامی امضا می‌کنند و با خرید تسلیحات نظامی، عملاً در تقویت اقتصادی آن‌ها نقش آفرینی نموده و

موجب رونق یافتن نظام اقتصادی مستکبران می‌شوند.

۲. عدم تحقق نفی جعل تکوینی سلطه‌ی کفار بر اکثریت امت اسلامی را می‌توان ناشی از آن دانست که بخش عمده‌ای از امت، ولایت امام معصوم (علیه السلام) را نپذیرفته‌اند. از این رو، از الطاف و حمایت‌های ویژه‌ی الهی بی‌بهره مانده‌اند و سلطه‌ی کفار بر آنان نیز در پرتو همین واقعیت قابل تبیین است.

۳. منع سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی، به‌صورت مطلق، هم در تشریع و هم در عرصه‌ی تکوین، در زمان ظهور ولی الهی، حضرت مهدی موعود (عج) تحقق خواهد یافت. از این رو، دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) که نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی را در آیه‌ی مذکور به‌صورت مطلق مورد تأکید قرار داده‌اند، از جامعیت و اعتبار ویژه‌ای بر خور دار است.

۴. این احتمال وجود دارد که مراد امام خمینی (ره) از مؤمنان، صرفاً شیعیان دوازده امامی باشد. براین اساس، امت مؤمنی که سلطه‌ی کفار بر آنان به‌صورت مطلق، چه در حوزه‌ی تشریع و چه در عرصه‌ی تکوین، ممنوع دانسته شده است، از منظر ایشان همان شیعیان جعفری‌اند که به رسالت پیامبر اسلام (ص) و امامت دوازده امام معصوم (ع) به‌عنوان اوصیای منصوب آن حضرت ایمان دارند. بنابراین، نفی مطلق سلطه‌ی تشریعی و تکوینی کفار بر مؤمنان، مطابق تفسیر امام خمینی (ره) در مورد جامعه‌ی شیعی دوازده امامی که حاکمیت رسمی آن در جمهوری اسلامی ایران تحقق یافته است، مصداق عینی پیدا می‌کند؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران از استقلال کامل سیاسی و نظامی بر خوردار بوده و همواره در برابر سلطه و نفوذ کفار در منطقه ایستادگی کرده است.

۴. تطبیق بیانیه‌ی مقام معظم رهبری با قاعده‌ی نفی سیل

جمهوری اسلامی ایران با عبور از مشکلات و چالش‌های بزرگی مانند نا امنی‌های داخلی اوائل انقلاب و ایستادگی قهرمانانه در مقابل جنگ تحمیلی عراق، به مرحله‌ی کمال رسیده و تهدیدهای مستکبران به یأس تبدیل شده است. هرچند که مستکبران خارجی و منافقان داخلی چالش‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی را پدید آورده‌اند،

ولی جمهوری اسلامی نزدیک به نیم قرن است که از این چالش‌ها سرافراز عبور نموده و با دستاوردهای مهم در عرصه‌های نظامی، علوم و گفتمان تمدن سازی نوین شیعی، دشمنان را مبهوت و دوستان را شادمان نموده است.

در مقابل، دشمنان ایران اسلامی با عصاییت بیشتر از دستاوردهای ایران، چالش‌های نوینی را مانند تحریم‌های شکننده، حمایت از منافقان اغتشاشگر و... به منظور توقف پیشرفت ایران پیش گرفته‌اند. در چنین گیر و داری رهبر معظم انقلاب، با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب»، چهارچوب آینده‌ی پیشرفت ایران را ترسیم نموده است تا از چالش‌های کنونی و بالقوه، عبور نماید و به فرجام نهایی راه یابد.

براین اساس، بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» رهنمودهای حکیمانه‌ی رهبری و منشوری است برای عبور از چالش‌های موجود که از خودسازی گرفته تا تعاملات اجتماعی و تمدن سازی اهل بیتی، امتداد دارد. منشوری که در صورت عملی سازی آن جمهوری اسلامی را «به ایجاد تمدن اهل بیتی» نزدیک می کند تا با ظهور خورشید تابان مهدی موعود (عج)، تمدن ولایی اهل بیتی عملی گردد.

اکنون سؤال این است که ارتباط بیانیه‌ی گام دوم انقلاب با نفی جعل سلطه‌ی مستکبران بر مؤمنان در چیست؟ اگرچه در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، تصریح بر قانون الهی: «نفی سلطه‌ی کفار بر سرنوشت مؤمنان» نشده است، اما نکات و قرائنی در این بیانیه وجود دارند که می توان بخش‌های از بیانیه را با این قانون الهی منطبق نمود. برای مثال، از محتوای سخن مقام معظم رهبری در فراز زیر به دست می آید که انقلاب اسلامی ایران علاوه بر تغییر حکومت دیکتاتوری که ابزار دست کفار و مستکبران بود، توسط مردم همواره حفاظت شده و به مرحله‌ی دوم انسان سازی الهی، جامعه سازی خداپاور و تمدن سازی اهل بیتی رسیده است.

بنابراین، با تمسک به قرائنی: «تغییر حکومتها» و «حفظ آرمآن‌های انقلاب»، می توان گفت، فراز ذیل متضمن قانون الهی «نفی سبیل» و منع سلطه‌ی کفار بر سرنوشت امت اسلامی است. زیرا، اولاً، حکومت پهلوی اضافه بر اینکه حکومت استبدادی و غیر اسلامی بود ابزار دست مستکبران خارجی نیز بود و از هر لحاظی،

حاکمیت کافران حساب می‌شد که توسط انقلاب اسلامی ایران، سرنگون شد و حاکمیت ولی فقیه عادل، مدل جدیدی از حکومت داری و سیاست اسلامی را بنیان نهاد که تا کنون سابقه نداشت. همچنانکه از قرینه‌ی صیانت از کرامت و اصالت خویش در این فراز از سخنان رهبری، منع سلطه‌ی مستکبران بر امت اسلامی کشف می‌شود.

«از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱)

۱-۴. شبهه‌ی نفی جعل سلطه‌ی کفار بر مؤمنان؟ یا امت اسلامی؟

قاعده‌ی نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی با تعبیر «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» یاد شده ممکن است شبهه‌ی را پدید آورد که کفار مطابق این آیه بر مؤمنین سلطه نخواهد داشت ولی بر مسلمین می‌توانند تسلط یابند، همچنانکه اکنون بر اکثریت مسلمانان، کفار سلطه دارند و اکثریت دولتها تابع قدرتهای استکباری هستند. ولی، حاکمیت شیعی ایران که از کفار پیروی نمی‌کند با مشکلات سیاسی، تجاری، تحریم و ... مواجه شده است.

میان اسلام و ایمان فرق است، ایمان باور قلبی و باطنی است که مؤمنان نسبت به رسالت پیامبر (ص) و جانشینی ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)، همچنین به حقایق غیبی مانند خداوند، فرشتگان، وجود امام عصر (عج) و معاد و ... اعتقاد دارند، اما اسلام، قبول و اعتراف زبانی و ظاهری خداوند و رسالت پیامبر (ص) است. بنابراین، منظور از نفی جعل سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی نیست، بلکه نفی جعل

سلطه‌ی آنان بر امت مؤمن است، ولی امت مؤمن که همه‌ی مسلمانان ایمان قلبی هم داشته باشند، هنوز تحقق نیافته، در نتیجه امکان تسلطه کفار بر امت اسلامی وجود دارد. چنان‌که در حال حاضر نیز اکثریت کشورهای اسلامی به نوعی تحت سلطه‌ی نظامی یا اقتصادی کفار قرار دارند؛ به‌ویژه آن‌که نظام اقتصادی کنون جهان تا حد زیادی وابسته به ساختار مالی و پولی ایالات متحده است.

پاسخ این است که منظور از مؤمنان، معنای خاص آن نیست که به پیروان اهل بیت (ع) اطلاق می‌شود؛ بلکه شامل همه کسانی است که به شهادتین اقرار دارند («و المؤمن فی زمان نزول آیه «نفی سبیل» لم یرد به الا المقر بالشهادتین»)، (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵: ۵۹۰) و چیزی که مقتضی کفر باشد، از ایشان صادر نشود، (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۷) لذا همه فرق و مذاهب اسلامی (به جز آن‌های که محکوم به ارتدادند) را شامی می‌شود، (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۷) در مقابل، کافران کسانی هستند که به دینی غیر از اسلام ایمان داشته باشند و یا با وجود قبول اسلام، ضروری از ضروریات دین اسلام را انکار کنند.

۲-۴. بررسی مفهوم سبیل در آیه‌ی مذکور

برای سبیل در کتب لغت، معانی متعددی از جمله: غلبه، تسلط، حجت، عتاب، عذاب و... ذکر شده است، (طریحی، ۱۴۱۶: ۳۹۱-۳۹۲-، راغب الاصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۲۳) سبیل کلمه‌ی عربی و به معنای راه، طریق و راه آشکار است و جمعش «سُبُل» می‌باشد، ابن السبیل: یعنی مسافر، مسافر تهیدست که در راه ماده باشد. سبیل الله: آنچه که در راه خدا بذل کنند، هر کار نیکی که در راه خدا انجام دهند، از قبیل جهاد، طلب علم، و...، (عمید، ۱۳۸۹: ۱۱۴۲) و در قرآن کریم نیز در بیش‌تر مواردی که سبیل به کار رفته، به نحوی معنای راه در آن وجود دارد. گاهی مراد از آن، راه هدایت است، مانند آیه شریفه: «وَمَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»، (بقره: ۱۰۸) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است. گاهی مراد، راه معمولی است، مانند: «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ»، (بقره: ۱۷۷) و مال (خود) را، با همه

علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند. گاهی نیز منظور از آن راه ضلالت است. همچنین گاهی در مفهوم تعدی و تجاوز به کار رفته که در واقع، مراد راه تجاوز است، (قرشی، ۱۳۵۲: ۲۲۳) مانند: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»، (نساء: ۹۰) خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید. البته هنگامی که سبیل با حرف علی به کار می‌رود، به معنای عقاب، عتاب، غلبه، سلطه و استیلا استعمال می‌گردد. این نحوه استعمال در آیات متعددی وجود دارد، از جمله: «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»، (توبه: ۹۱) بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست. «وَلَمَنْ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ»، (شوری: ۴۱) و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبند، ایرادی بر او نیست. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ»، (شوری: ۴۲) ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین بنا حق ظلم روا می‌دارند. از مجموع آیات، می‌توان معنای مشترکی برای سبیل استفاده کرد که همان غلبه، استیلا و سلطه است. در آیه نفی سبیل که از این ترکیب «علی» و «سبیل» استفاده شده، نیز معنای غلبه و سلطه استفاده می‌شود.

به نظر علامه طباطبایی معنای آیه نفی سبیل، این است که حکم به نفع مؤمنان و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود تا منافقان برای همیشه از رسیدن به اهداف شوم خود، مأیوس و نا امید باشند و در همه دوره‌ها، بالاخره فتح و پیروزی از آن مؤمنان و علیه کافران خواهد بود، (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۶) از کلام علامه طباطبایی یک نکته‌ی بسیار زیبا استفاده می‌شود و آن این است که این عدم سبیل و سلطه در دنیا و آخرت از سوی کفار، مادامی است که مؤمنان به لوازم ایمان خود ملتزم باشند. همچنان که در جای دیگر قرآن این وعده را صریحا داده و فرموده: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، (آل عمران: ۱۳۹) و (در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن) سست نشوید! و (از پیش آمده‌های و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد) غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! در واقع، در مواردی که مسلمانان در برابر کفار شکست می‌خورند و کفار در جنگ نظامی، یا فرهنگی یا اقتصادی و ... غلبه می‌نمایند، علت را باید در عدم اتحاد، کم کاری، تبلی، سستی

و عدم انجام وظایف از سوی مسلمانان و دولت‌های اسلامی دانست، چون سنت خدا، ثابت است و اگر مسلمین آن چنان که قرآن و اولیای دین فرمان می‌دهند عمل نمایند، هیچ‌گاه مغلوب کفار نخواهند شد. به هر حال دلالت آیه شریفه بر قاعده مورد بحث، تمام است و هر حکم و عملی که موجب تسلط کفار بر مسلمانان و بلاد اسلامی شود، بر اساس آیه شریفه از نظر شریعت اسلامی، ممنوع است.

۳-۴. نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی در پرتو آیه عزت

دومین دلیل قرآنی بر منع تسلط کفار بر مسلمین و ممالک اسلامی آیات عزت می‌باشد. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»، (منافقون: ۸) در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند! به بیان دیگر مفاد قاعده نفی سبیل و نفی سلطه، از آیات دیگری نیز استفاده می‌شود که در آن‌ها تصریح شده، عزت و شرافت منحصر به خدا و رسول و مؤمنان است. این آیات دلالت دارند که کفار و مشرکان عزت و شرافتی ندارند، (لفظ عزت و مشتقات آن بیش از صد مورد در قرآن کریم تکرار شده است. این آیات به وضوح بر انحصار عزت به خدا و رسول و مؤمنان دلالت دارد) که مفادش نفی سبیل و سلطه بر اسلام و ممالک اسلامی است. خلاصه هر نوع رفتار و گفتاری که باعث شود این شرافت و عزت، خدشه دار شود و کفار عزت یابند، بی تردید مخالف با حکم قرآن کریم است.

۴-۴. نفی سلطه‌ی کفار بر مؤمنان در پرتو کرامت انسانی از منظر بیانیه گام

دوم انقلاب

کرامت و عزت امت اسلامی در فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری مشاهده می‌شود که با مفاد آیه‌ی عزت همخوانی دارد. به دلیل این که کرامت انسانی امت اسلامی با سلطه‌ی نظامی، سیاسی و اقتصادی کفار بر آنان، در تضاد است. از اینرو، در فراز زیر از بیانیه‌ی رهبری این حقیقت مشاهده می‌شود که انقلاب اسلامی ایران در برابر رویکرد شیطان‌ی مستکبران که وسوسه‌ی بر اندازی انقلاب و راه اندازی آشوب و ناامنی را در نظر دارند، مقاومت کرده و دسیسه‌های شیطان‌ی آنان را که برای سلطه‌ی دوباره‌ی خود بر ایران انجام می‌دهند، خنثی نموده و از کرامت ایمانی و

انسانی امت اسلامی ایران و ارزشهای انقلاب دفاع نموده است.

«انقلاب پُرشکوه ملت ایران ... تنها انقلابی است که یک چلّهی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱).

۴-۵. تفسیر عزت مؤمنان در روایات

تعداد زیادی از روایات ائمه (علیهم السلام) نیز بر عزت و شرافت مؤمن دلالت دارند و بر اساس این روایات مسلمانان حق ندارند خودش را ذلیل و خوار کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: همانا خداوند امور مؤمن را به خودش تفویض کرده است و (البته) تفویض نکرده است که ذلیل باشد... (بر اساس آیه قرآن (مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. «إِنَّ اللَّهَ افْوَضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُ وَلَمْ يَفْوَضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا. أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ...» فَاَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا»)، (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۹) بنابراین در اسلام حکمی که مستلزم ولایت و استیلای کفار بر مسلمانان باشد، تشریع نشده است. از این رو هر قرار داد و حکمی که منجر به عزت کفار و سلطه بر مسلمانان شود، از نظر وضعی، باطل و از نظر تکلیفی، حرام است.

دایره این مسئله گسترده است و دوستی با کفار را هم شامل می‌شود. اگر دولت و حکومتی در قلمرو اسلام، به جای رابطه با مسلمانان که باعث قدرت و شرافت آنان می‌شود، دوستی با کفار را برگزیند (ولت و حکومتی در قلمرو اسلام، به جای رابطه با مسلمانان که باعث قدرت و شرافت آنان می‌شود، دوستی با کفار را برگزیند لا می‌شود، بر اس «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُّهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»، (نساء: ۱۳۹) همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟). که موجب عزت آن‌ها شود و نوعی تأیید و حمایت از کفر و رفتار کافران آن‌ها باشد، به حکم آیه قرآن، این اقدام ممنوع است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»، (نساء: ۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید

غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه گاه خود قرار ندهید! آیا می خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! این آیه شریفه و امثال آن، موّدت و دوستی با کفار به جای مؤمنان را منع می کند؛ چون این دوستی سبب سلطه و سلطنت اعتباری و واقعی کفار می شود. نهی از دوستی کفار، بر حرمت هر عملی دلالت می کند که موجب سلطه و سلطنت و نفوذ کفار شود. بنابراین طبق آیات شریفه هر نوع عمل و رابطه ای که موجب ولایت کفار و سلطه و استیلای آنان بر مسلمانان و ممالک اسلامی گردد. نامشروع و حرام است.

البته لازم به بیاد آوری است آن دوستی و اعتماد و از خود گذشتگی که در میان خود مسلمانان وجود دارد، بدون تردید در رابطه با کفار، مورد نهی است؛ زیرا اعتماد و برادری که بین خود مسلمانان نسبت به همدیگر وجود دارد هیچ وقت نمی شود بین مسلمانان با کفار برقرار شود و هیچ گاه کفار نمی توانند جای مسلمانان را در دوستی به یکدیگر پر کنند. از طرف دیگر، قرآن کریم بر خورد عدالت محورانه و ارتباط مسالمت آمیز با غیر مسلمانانی را که به دنبال سلطه جویی و زورمداری نیستند، توصیه می نماید و می فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»، (ممتحنه: ۸) خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. این آیه شریفه قاعده کلی و اساسی برای مسلمانان وضع می کند که در برابر هر گروه، جمعیت و کشور غیر مسلمان که نسبت به اسلام و مسلمین، موضع خصمانه نداشته باشند، و دنبال سلطه جویی و سلطه طلبی نباشند، می تواند مسلمانان با آن ها رابطه مسالمت آمیز داشته باشند و پایبند به پیمان ها و تعهدات خود باشند البته با رعایت عدالت.

نظر مرحوم سید کاظم طباطبایی نیز در «تکمله عروه» این است که با توجه به عمومات و احادیثی که در ترغیب احسان و نیکی و جواز صدقه بر کافر وجود دارد و همچنین با توجه به آیه یاد شده مجالست و گفت و گو و احسان به کفار، حرام نیست؛ بلکه چه بسا از باب تألیف قلوب و ترغیب آن ها به اسلام، راجح نیز باشد. اما در این

آیه شریفه که دوستی منع شده است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...»، (مجادله: ۲۲) هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده». اما این منع مطلق نیست؛ بلکه منع از حیث دشمنی آن‌ها با خدا و رسول است. بنابراین ایشان اعتقاد دارد که مسلمان می‌تواند به کافر صدقه بدهد و یا حتی چیزی را برای کافر، وقف نماید، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۲۱۴) به بیان دیگر در صورتی که کفار موضع خصمانه و سلطه طلبانه داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمین قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند، در این صورت بر مسلمان‌ها لازم است که سرسختانه بایستند و هر گونه پیوند محبت و دوستی را با آن‌ها قطع کنند، (شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۱ - ۳۳).

در نتیجه با توجه به آیاتی که بیان شد، اعتبار قاعده فقهی «نفی سیل» مسلم است و همه فقها نیز در اعتبار این قاعده اتفاق نظر دارند مبنی بر اینکه کفار هیچ‌گونه حق سلطه و غلبه بر مسلمانان و کشورهای اسلامی را ندارد بلکه همیشه مسلمانان بر آن‌ها توفیق و غلبه دارند.

۴-۶. رفعت و علو مؤمنان در روایات

روایات زیادی بر علو و شرافت مسلمانان بر غیر مسلمانان دلالت می‌کند. مهم‌ترین آن‌ها حدیث نبوی علوی است که شیخ صدوق آن را روایت کرده است. «قوله (ع): «الاسلام يعلو ولا يعلو عليه والكفار بمنزلة الموتى لا يحجبون ولا يورثون»»، (صدوق قمی، ۱۴۱۳: ۳۳۴) اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند. این حدیث نبوی مشهور، به طُرُق مختلف در منابع روایی شیعه و سنی با مضامین مشابه، نقل شده است، (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۱۴، بخاری، ۱۹۸۱: ۹۶، نوری طبرسی، ۱۳۶۵: ۱۴۲) گرچه این حدیث مرسله و از

حیث سند ضعیف است ولی با عمل اصحاب به آن، ضعف سندش جبران شده است. زیرا شیخ صدوق که از نخستین راویان این حدیث است، در اعتبار این حدیث و سندش به معصوم جزم و یقین داشته؛ به همین خاطر گفته است «قوله» و تعبیر «رُوی» را به کار نبرده است.

روش شیخ صدوق، این است که اگر یقین به سند حدیث داشته باشد، تعبیر «قوله» می‌آورد. «النبوی المشهور الإسلام یعلو و لایعلی علیه، فلا إشکال فی کونه معتمداً علیه؛ لکونه مشهوراً بین الفریقین علی ما شهد به الاعلام، و الشیخ الصدوق (ره) نسبة إلی النبی (ص) جزماً، فهو من المراسیل المعتبرة»، (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱: ۷۲۶) از این رو صاحب «قواعد فقهیه» این حدیث را موثوق الصدور می‌داند می‌فرماید: «الخبر مشهور المعروف ذکره فی الفقیه عن النبی (ص) فعمدة الکلام دلالة و الا فمن حیث السند موثوق الصدور عن النبی (ص) لاشتهاره بین الفقهاء و عملهم به»، (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۹)

علامه مراغی آن را مشهور و مستغنی از ملاحظه سند می‌داند «الخبر المشهور فی السنة الفقهاء المتلقى بالقبول بحیث یغنی عن ملاحظة سند»، (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۵۲) و حضرت امام (ره) آن را معتمد و مشهور بین فریقین می‌دانند، (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱: ۷۲۶) بنابراین من حیث المجموع، اطمینان و وثوق به صدور روایت وجود دارد و از ناحیه صدور، مورد قبول شیعه و سنی است.

۴-۷. مرگ معنوی کفار و استعلائی حقیقی مؤمنان

قسمت اول این حدیث «الاسلام یعلو...» نشان دهنده استعلائی مداوم اسلام است و دلالت دارد که احکام اسلام، دائماً برای برتری دادن مؤمنان و تفوق آنان بر کفار است و قسمت دوم «والکفار بمنزلة الموتی...» به طور صریح، اعتلا و استیلا بر اسلام و مسلمین از سوی کفار را نفی می‌کند؛ و هر نوع عمل و رابطه و حکمی را که مستلزم تفوق کفار بر اسلام و مسلمین باشد، نامشروع و مردود می‌داند، (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۳۱-۳۲) لذا این حدیث در مقام بیان یک داستان تاریخی نیست؛ بلکه در مقام قانون گذاری و انشاء حکم و اراده شارع است مبنی بر این که احکام

اسلام موجب علو مسلم بر غیر مسلم است، (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۹۱-۱۹۰) و شرعا هیچ حکم، قانون و عملی نباید سبب تسلط کفار بر مسلمانان و ممالک اسلامی شود، (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۵۲) موارد متعدد دیگری نیز وجود دارند که از مصادیق قاعده نفی سبیل به حساب می آیند مانند: عدم ولایت کافر بر صغیر و مجنون و سفیه در نکاح و اموال.

۸-۴. ولایت نداشتن اولیاء کافر بر فرزندان مسلمان خویش

پدر کافر در نکاح دختر باکره خود ولایت ندارد، دختر باکره بنابر نظر مشهور، برای ازدواج نیاز به اذن پدر دارد؛ ولی اگر پدر کافر باشد، نکاح او بدون اذن پدر نیز صحیح است.

۹-۴. عدم واگذاری قضاوت به کافران

کافر نمی تواند در حل و فصل دعاوی مسلمانان قضاوت کند؛ چرا که قضاوت، نوعی ولایت است و از مناصب جلیله شرعی و شعبه ای از ولایت عام رسول الله (ص) و ائمه (ع) و جانشینان ایشان است.

۱۰-۴. عدم جواز اجیر شدن و کار مؤمنان برای کافران

برخی از فقهای شیعه با تمسک به قاعده نفی سبیل و حدیث علو مؤمنان بر کافران، اجیر شدن مؤمنان و کار نمودن برای کافران را منع نموده اند. زیرا این موارد از قبیل سلطه کافر بر مسلمان می باشد، لذا موارد مذکور با توجه به قاعده نفی سبیل و حدیث علو جایز نمی باشد، (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۰۷، عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۷-۱۶۶، نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶، طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۳).

اما در رابطه به وکالت کافر از مسلمان نظر فقها مختلف می باشد؛ مشهور فقها وکالت را جایز نمی دانند. چون در این نوعی وکالت، سلطنت و ولایت و سبیل کافر بر مسلمان ایجاد می شود، به دلیل آیه شریفه نفی سبیل است، این وکالت صحیح نمی باشد، (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۸۴).

ابن ادریس، شیخ طوسی و صاحب عروه، وکالت کافر از مسلمان را جایز می دانند و اعتقاد دارند که وکالت کافر از مسلمان، سبیل بر مسلمان نمی باشد، (حلی، ۱۴۱۰:

۸۷، شیخ طوسی، ۱۳۷۸: ۳۹۲، طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۱۳۶) از نظر این بزرگواران آیه نفی سبیل شامل وکالت کافر از مسلمان نمی‌شود. البته کار مؤمنان برای کافران در صورتی که به صورت تحقیر و ذلت کار گر مؤمن نباشد، بعید است که مشمول منع استعلا‌ی کافران بر مؤمنان، گردد. به خصوص اینکه امروزه کرامت بشر و انسان دوستی نزد کافران نیز مطرح است.

۵. کاربرد قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی

۱-۵. فقه سیاسی چیست

مفهوم ویژه‌ای هم که امروزه از آن به عنوان «دیدگاهها و اندیشه‌های حکومتی اسلام» یاد می‌شود از جمله مفاهیمی است که در طول زمان در قالب واژه‌ها و اصطلاحات گوناگون یاد شده که اصول و مبانی و مسائل محوری آن توسط محدثان، فقها، مفسران و محققان اسلامی نگاشته شده است.

مطالب فقهی گاهی به «الاحکام السلطانیة» و زمانی دیگر «تنفیذ الاحکام القضایا و الاحکام» و... ولایة الفقیه نگاشته شده و زمان دیگر با عناوینی همچون «مسائل الولایات»، «الولایات و السیاسات» مورد بررسی قرار گرفته است.

چنانکه گروه دیگری از مؤلفین از آن به عنوان «السیاسات الشرعیة»، «النظم الشرعیة» یاد کرده‌اند. برخی از فقها و محدثین نامدار نیز مسائل مربوط به این موضوع را تحت عنوان «فی العبادات و السیاسات» مورد بحث قرار داده‌اند و بالاخره در این اواخر نام «فقه سیاسی» و «فقه حکومتی اسلام» شهرت یافته است که همه این عناوین و اصطلاحات حاکی از یک مفهوم و معانی مشترک و واحد هستند و نه معانی متعدد و مختلف که در طول تاریخ و در بستر زمان همراه با فراز و نشیب فقه عمومی و فقه حکومتی، تحول و دگرگونی پذیرفته‌اند، (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۰).

۲-۵. فتوای تحریم تنباکو در مقابله با سلطه‌ی استعمارگران

قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی اسلام، کاربرد کسترده‌ی دارد و فقیهان شیعی، با الهام از این قاعده از طریق اظهار آراء فقهی‌شان تلاش نموده‌اند که امت اسلامی را از مهلکه‌ی سلطه‌ی استعمارگران نجات دهند. نمونه بارز به کارگیری این قاعده،

نهضت تحریم تنباکو است که در مقابله با استراتژی استعماری بریتانیا برای تسخیر و قبضه اقتصاد ایران، توسط عالمان دینی به رهبری مرجع تقلید زمان، میرزا محمد حسن شیرازی شکل گرفت. فتوای تحریم تنباکو که بر گرفته از قاعده نفی سبیل بود، استعمار انگلیس را در ایران، درهم شکست و مرحله‌ای مهم در بیداری مردم ایران در برابر استکبار و استبداد را رقم زد.

۳-۵. نفی سلطه‌ی کاپیتولاسیونی امریکا در فتوای امام خمینی (رضوان الله

تعالی علیه)

نمونه دیگر، ماجرای کاپیتولاسیون است «کاپیتولاسیون» به معنای مصونیت قضایی اتباع یک کشور در کشور دیگر است، رژیم محمد رضا پهلوی در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۴۳ لایحه‌ای را به دستور آمریکا به مجلس برد و تصویب کرد که بر اساس آن، اتباع آمریکایی در ایران از جمله مستشاران نظامی آمریکا مصونیت قضایی پیدا کرده بودند و بر اساس آن، برنامه قضاوت کنسولی و کاپیتولاسیون در ایران پیاده شد، تصویب این لایحه به معنای رسمیت یافتن استعمار آمریکا در ایران بود و تسلط کفار را بر مسلمین ایران تثبیت می‌کرد که قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) را به دنبال داشت. قیامی که تبعید حضرت امام (ره) از ایران به ترکیه و عراق در پی داشت و در نهایت، به پیروزی انقلاب اسلامی ایران منجر شد. امام خمینی (ره) فتوای تاریخی ضد آمریکایی و ضد کاپیتولاسیون خود را بر اساس قاعده فقهی نفی سبیل صادر کرد. آغاز اعلامیه امام بعد از نام خدا با آیه «و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» است، (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۲۱).

۴-۵. فتاوی صاحب عروه در دفاع از بلاد اسلامی

فقیه دیگر به نام «محمد کاظم یزدی» چهره‌ی معروف در مبارزه با سلطه و اشغال گری خارجی است.

حضور ایشان در جنبش تحریم تنباکو، صدور اعلامیه دفاع از اقدامات استقلال طلبانه حاج آقای نورالله اصفهانی و صدور احکام و فتاوی وی در دفاع از کیان سرزمین‌های اسلامی ایران، و لیبی و همچنین رهبری جنبش ضد استعماری شیعیان

عراق و صدور ده‌ها اعلامیه جهاد علیه نیروهای استعماری انگلستان، وی را به شخصیتی بی نظیر و بی بدیل در عرصه جلوگیری از سلطه و سیل کفار بر مسلمین تبدیل نموده است. موارد زیر، نمونه‌هایی از آن است.

به دنبال لشکرکشی روس‌ها به تبریز در ماه‌های آخر سلطنت محمد علی شاه، بر اساس اسناد وزارت خارجه ایران، تلگرافی با امضای آیات عظام سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی وجود دارد که به شاه ایران ارسال گردیده است و ضمن اعلام وحشت عموم علمای مقیم عتبات از «اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیة ضمن آمادگی علما برای صدور حکم جهاد، خواستار اقدام شاه به بیرون راندن عساکر اجانب از کشور و مسدود ساختن ابواب مداخلات بیگانگان شده اند» در اواخر دوران موسوم به استبداد صغیر، مقارن با ماه‌های آخر سلطنت محمد علی شاه، روس‌ها، به بهانه حفظ امنیت اتباع خود در تبریز، به آن شهر لشکر کشیدند و این امر، که با حمایت انگلیسی‌ها همراه بود، آغاز اشغال رسمی نقاطی از شمال کشور ایران بود که بعدها به گستره آن افزوده شد، و در دوران جنگ جهانی اول، تا اعماق خاک ایران (اصفهان و کرمانشاه) بسط یافت. این امر موجی از نگرانی و اعتراض در بین ایرانیان به وجود آورد که حوزه‌های علمیه عراق (خصوصاً حوزه مرکز نجف) نیز از آن مستثنا نبود و بیش‌ترین واکنش را نشان داد. صاحب عروه مانند آخوند خراسانی و دیگر مراجع بزرگ آن سامان، به اعتراض بر خاست، (ابوالحسنی، (مُنْذِر: ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۵۱). زمان مرجعیت کاظم یزدی، دولت ایتالیا نیروهایی را برای اشغال کشور لیبی در شمال آفریقا به حرکت در آورده بود. ایران هم از شمال در اشغال قوای روس و از جنوب مورد هجوم استعمار انگلیس قرار داشت.

در این زمان حساس، صاحب عروه، فتوای تاریخی خود را خطاب به تمام مسلمانان اعم از عرب و عجم در دفاع از حدود و ثغور اسلامی در برابر تجاوز کفار (ایتالیا، روس و انگلیس) به صورت زیر اظهار نمود، (دوانی، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۷۴).

در این ایام که دول اروپایی مانند ایتالیا نیروهایی خود را به طرابلس غرب لیبی به حرکت در آوردند، زیرا این عمل، از مهم‌ترین فرائض اسلامی است. تا به یاری

خداوند، مملکت اسلامی از تهاجم صلیبی‌ها محفوظ بماند. اصل این فتوا به عربی صادر گردید و در نشریه (مجلة العلم سال دوم شماره ششم ذیحجه ۱۳۲۹ ق) در نجف منتشر شد، (ابوالحسنی، (مُنذِر) ۱۳۸۹: ۶۱۶).

همان گونه که مشاهده می‌کنید در این فتوا چیزی که موضوع حکم قرار گرفته، «عقب راندن کفار از ممالک اسلامی» است تا سیطره و سلطه‌ای بر مسلمانان پیدا نکنند. زیرا با اشغال نظامی، سلطه و حکومت و ولایت کفار بر مسلمانان اعمال می‌شود. سید کاظم یزدی بر شالوده تفکر فقه سیاسی خود، که یکی از عناصر اصلی آن قاعده نفی سبیل است، با استواری و به صراحت از وجوب جهاد و بذل جان و مال سخن می‌گوید.

جنبش ضد استعماری شیعیان عراق علیه استعمار انگلیس - که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین جنبش‌های شیعه در قرن اخیر دانست - با صدور فتوای جهاد علیه نیروهای انگلیس از سوی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در سال ۱۹۱۴ و در آستانه جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. با اعلام این فتوا، حرکت علمای نجف از جمله شیخ الشریعه اصفهانی، کاشف الغطاء، میرزا محمد تقی شیرازی و دیگر علمای شیعه آغاز می‌گردد و جبهه‌ای جنگ به رهبری علما گشوده می‌شود. این مبارزه بی‌امان علیه سلطه کفار انگلیس بر سرزمین عراق که به رهبری مرجع تقلید شیعه، سید محمد کاظم یزدی و با فتوای ایشان آغاز شد، شش سال ادامه یافت و در نهایت به پیروزی و استقلال عراق از زیر سلطه انگلستان و حکومت عثمانی منجر شد، (نامدار، ۱۳۷۶: ۲۴۶ - ۲۵۱).

در جنگ جهانی اول، متفقین (شامل دولت‌های روسیه، فرانسه و...) تهاجم همه جانبه‌ای را به ممالک اسلامی آغاز نمودند و عرصه را بر دولت عثمانی که با همه عیوبش نام اسلامی داشت، تنگ کردند. البته انگلیس بر اساس اهداف استعمارگرانه پیش دستی کرد و پیش از همکاری عثمانی با آلمان بر ضد متفقین، به جنوب عراق که بخشی از قلمرو عثمانی محسوب می‌شد (عثمانی‌ها در نیمه دوم قرن دهم هجری ۱۷۶۲ میلادی عراق را به امپراطوری خود ملحق کردند و این سلطه تا سال ۱۹۱۴ که در جریان جنگ جهانی اول، قدرت عثمانی‌ها درهم شکست، ادامه داشت، (احمدی، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۴) به دلیل رفتار ظالمانه و

وحشیانه حکومت عثمانی نسبت به شیعیان و علمای شیعه، این حکومت همواره با مقاومت قبایل شیعه و علما مواجه بود (لشکر کشید؛ فاو و بصره را در ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۴ اشغال کرد. با این تهاجم، اسلام و کفر در برابر هم قرار گرفت. در چنین شرایط حساس، سید محمد کاظم یزدی با به کارگیری و بهره جویی از عنصر فقهی در عرصه سیاسی و دفع هجوم کفر به دارالاسلام، به گونه مدبرانه‌ای از حکومت عثمانی رسماً پشتیبانی نمود. اگر چه دولت عثمانی به شیعیان عراق بسیار ستم کرده بود؛ ولی در نظر گرفتن مصالح کلان امت اسلامی ایجاب می‌کرد تا به تحکیم بنیان وفاق و اتحاد بین مردم عراق و حکومت عثمانی روی آورد. نامه‌ها و مکتوبات متعددی از ایشان خطاب به سران عشایر شیعه عراق در دوران جنگ جهانی اول و نبرد عثمانی با بریتانیا وجود دارد که به شیعیان اکیدا توصیه می‌کند از مخالفت خود با حکومت عثمانی دست برداشته، در کنار قوای عثمانی به نبرد با نظامیان اشغالگر انگلیس در جنوب عراق بپردازند، (ابوالحسنی، (منذر) ۱۳۸۹: ۶۱۷ - ۶۲۶) ایشان در طول دوران مبارزه با انگلیس، ده‌ها اعلامیه و فتوای صادر کرد. در سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م، رویارویی با قوای بریتانیا و حفظ حدود و دفاع از کیان اسلامی را واجب اعلام می‌کند:

پوشیده نیست که دول اروپا به خصوص دولت انگلیس و روس و فرانسه همیشه از قدیم الایام بر ممالک اسلامی تعدی و تجاوز نموده‌اند، چنان که بیش تر ممالک اسلام را غصب نموده‌اند؛ و از این تعدیات به جز محو دین (العیاذ بالله) مقصدی ندارند، تا در این اوقات مقاصد خود را ظاهر نموده، بر ممالک دولت عثمانی (اعز الله بنصره الاسلام) هجوم نموده و نزدیک است دست تعدی دراز و بر حرمین شریفین و مشاهد ائمه طاهرین (علیهم السلام) تهاجم و بر اوطان مسلمانان و نفوس و اعراض و اموال آن‌ها غلبه نمایند. پس واجب است بر عشایر ساکن در مرزها و عموم مسلمین متمکنین اگر در حدود من به الکفایه نباشد، حفظ مرزها و دفاع از بیضه اسلام به مقدار قدرت خود بنمایند. واللّه هو الناصر و المعین و المؤید للمسلمین، نجف اشرف الاحقر محمد کاظم الطباطبایی، (ابوالحسنی، (منذر) ۱۳۸۹: ۶۲۹).

همان گونه که مشاهده می‌کنید در متن این فتوا عبارت‌هایی مانند: «بیش تر

ممالک اسلام را غصب نموده اند» و یا «نزدیک است ... بر اوطان مسلمانان و نفوس و اعراض و اموال آن‌ها غلبه نمایند»، به کار رفته است. بی‌شک این گونه تعبیرها، بازتاب قواعد مسلم فقهی همانند قاعده نفی سبیل در اندیشه سیاسی سید کاظم یزدی است؛ زیرا آن‌گاه که این اصول و قواعد از ذهن فقیه بر صفحه اعلامیه جاری می‌شود و کاربرد سیاسی، اجتماعی می‌یابد، در قالت چنین تعبیراتی که در خور فهم مردمان است، ابراز می‌شود. تهاجم کفار به سرزمین اسلامی اگر با دفاع مسلمانان روبه‌رو نشود، آیا سرانجامی غیر از سلطه آنان بر وطن اسلامی و نفوس و نوامیس و اموال مسلمان‌ها خواهد داشت؟ و این امر در نگاه فقهی چون صاحب عروه، یعنی از دست رفتن یک اصل از اصول قرآن است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (نساء: ۱۴۱) خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان، تسلطی نداده است. از همین رو ایشان فتوا به وجوب دفاع صادر می‌کنند. یعنی مفاد قاعده نفی سبیل را از ذهنیت فقهی به عینیت فتوایی در می‌آورد. دستاورد چنین فقه‌ای آن می‌شود که آموزه‌های وحیانی عملیاتی شود و استقلال و سرفراز مؤمنان حفظ گردد و سلطه و غلبه کفار از مسلمانان و ممالک اسلامی کوتاه شود.

۶. ممنوعیت سلطه‌ی مستکبران بر امت اسلامی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی

۱-۶. ارتباط شعارهای فطری، دینی انقلاب با قاعده‌ی نفی سبیل

از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی شعارهای انقلاب اسلامی ایران که خاستگاه دینی دارند مطابق سرشت و فطرت الهی بشر در راستای عزت، آزادی واقعی، عدالت و استقلال ارائه شده و همواره زنده است که تاریخ انقضای مصرف ندارند. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی از جهات متعددی با قاعده‌ی نفی سبیل یا نفی سلطه‌ی کفار بر سرنوشت امت اسلامی، ارتباط دارد. فرازهای آن در تبیین آیه‌ی نفی سبیل ارائه شد و اکنون دیگر فرازهای آن که قاعده‌ی نفی سبیل مرتبط است، تبیین می‌گردد.

مهمترین نکته‌ی که در فراز زیر با قاعده نفی سبیل نسبت دارد، خاستگاه دینی انقلاب اسلامی است و قاعده‌ی نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی یکی از دستاوردهای بنیادی دینی به‌شمار می‌آید که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا دوران

کمال آن، مورد تأکید رهبران دینی انقلاب اسلامی بوده است. اما اینکه، مسئولان اجرائی و کارگزاران در عمل چه اندازه به اهداف والای دینی انقلاب پای بند بوده‌اند؟ جای بحث است و لازم است همواره مورد آسیب شناسی قرار بگیرد.

«برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است، آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقّق آن‌ها»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲).

همچنانکه از تعابیر: «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت و برادری»؛ در فراز مذکور بیانیه، می‌توان منع تسلط کفار بر مؤمنان را به دست آورد. به دلیل این‌که با وجود سلطه‌ی کفار ارزشهای «آزادی، معنویت، استقلال و عزّت و...» نه تنها عملی نیست، بلکه کفار و حکومت‌های دست‌نشانده‌ی آن‌ها همواره مانع تحقّق این ارزشهاست.

بنابراین، ارزشهای از قبل: «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت و برادری» که در بیانیه‌ی گام دوم تأکید شده است، زمانی امکان دارد عملی گردد که از یکسو کفار هیچ نوع سلطه‌ی بر امت اسلامی نداشته باشند و از جهت دیگر، رویکرد مسئولان و کارگزاران اسلامی، فاسد تر و شنیع تر از کفار نباشد.

۲-۶. ارتباط دفاع از نظریه‌ی نظام انقلابی با قاعده‌ی نفی سلطه‌ی کفار بر

امت اسلامی

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی ایران، تأکید شده است که انقلاب اسلامی به مثابه‌ی موجود زنده‌ی است که همواره در تکامل و رشد به سر می‌برد، با عبرت از تجربیات گذشته تلاش خواهد نمود خطاهای فعلی و آینده را تصحیح نماید. نکته‌های

متعددی در ارتباط با قاعده منع سلطه‌ی کفار بر سرنوشت امت اسلامی از فراز ذیل که در بیانیه گام دوم ذکر شده، به دست می‌آید. از جمله این که علی‌رغم انعطاف پذیر بودن انقلاب اسلامی، این انقلاب منفعل نیست که از نگرش مستکبران، منفعل گردد و رویکرد نظامی، تجاری، اقتصادی و فرهنگی آنان را در خود آنالیز نماید.

همچنانکه دفاع در نظریه پردازی و عمل از انقلاب اسلامی ایران مطابق جمله‌ی: «... بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» که در بیانیه گام دوم اظهار شده است، به این معناست که مهمترین مواردی که مورد هجوم دشمنان انقلاب واقع می‌شود، فضای سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی است. لذا رهبر معظم انقلاب، در بیانیه‌ی گام دوم که در جمله‌ی فوق ذکر شد، خواستار دفاع از انقلاب اسلامی است که مؤمنان باید در برابر تهاجمات فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی دشمنان، به پا خیزند و علیه سلطه‌ی مستکبران در نظر و عمل دفاع نمایند.

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظر پذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌های از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲).

۳-۶. گام اول انقلاب اسلامی قطع سلطه‌ی کفار از ایران

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی ممنوع بودن سلطه‌ی مستکبران بر سرنوشت امت اسلامی تصریح شده است. لذا اولین گام انقلاب اسلامی، برچیدن سلطه‌ی نظام فاسد و طاغوتی پهلوی بود که توسط مستکبران پدید آمده بود. بنابراین، لازم است مؤمنان به منظور دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی، با انواع سلطه‌ی مستکبران

که با واسطه یا بی واسطه، صورت می گیرند، مبارزه نمایند.

«انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴).

۴-۶. ثبات و امنیت در گرو عدم سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی

حفاظت از امنیت و تمامیت ارضی که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب ارائه شده، بدون عمل به مفاد مبنای قرآنی و فقهی نفی سلطه‌ی کفار بر سرنوشت امت اسلامی، امکان ندارد. چنین مسئله‌ی مهمی در بیان رهبر معظم انقلاب به خوبی نمایان است و از دیدگاه وی دفاع از تمامیت جغرافیای کشور اسلامی منجر به پیروزی مدافعان وطن شد. انقلاب اسلامی در طول قریب به نیم قرن، در برابر درندگی و توحش غرب و شرق ایستاده و از کرامت انسانی در حد امکان دفاع نموده است؛ رویکردی انقلابی که موجب سردرگمی کفار شده است، از اینرو، دست به دامن منافقان داخلی شده‌اند تا از طریق آشوب و نا امنی، دوباره بر ایران سلطه یابند، اما اشتباه کفار معاند ایران این است که شناخت درست از انقلاب اسلامی ندارند و در جنگ نیابتی و اقتصادی نیز با شکست مواجه شده‌اند.

«ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد».

«نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکا روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده‌ی

ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشاندهی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدوران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۸).

۵-۶. روابط بین الملل در بیانیه گام دوم انقلاب

دیدگاه برگزیده در تبیین آیه‌ی نفی سبیل کفار بر مؤمنین ممنوعیت مطلق سلطه‌ی کفار بر مؤمنان، همان نظریه‌ی امام خمینی (ره) است. با این وجود، در عصر حاضر به خاطر فناوری ارتباطات جهان به دهکده‌ی تشبیه شده است که همه اهالی آن با یکدیگر تعامل و ارتباط دارند و هیچ‌کسی، خواسته و ناخواسته بیرون از این ارتباطات نخواهد بود. حال سؤال این است، روابط بین الملل در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب چه جایگاهی دارد؟ آیا روابط با کشورهای غیر اسلامی به خصوص با قدرتهای استکباری، سبیل و سلطه‌ی کفار به‌شمار نمی‌آید؟ اگرچه این موضوع لازم است در بیانیه مقام معظم رهبری به صورت مستقل بررسی گردد ولی به اختصار باید گفت، روابط بین الملل یا روابط با کشورهای غیر اسلامی در صورتی که سر سپرده و وابسته‌ی به قدرتهای غیر اسلامی شمرده نشود، ایرادی ندارد، بلکه ارتباطات بین المللی، سیاسی، تجاری و اقتصادی که به صورت تعامل دو جانبه باشد، ضرورت انکار ناپذیر است. بنابراین، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب در عین فشردگی به صورت جامع ارائه شده و جایگاه روابط بین الملل در آن به روشنی مشهود است.

«... مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل

جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند»، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۹).

۷. نتیجه‌گیری

نفی سلطه‌ی کفار بر امت اسلامی با توجه به منابع فقه (کتاب و سنت) مسلم است. این قاعده، ضامن عزت و عظمت مسلمانان در برابر کفار است. طبق این قاعده هر گونه سلطه و ولایت کفار بر مسلمانان نفی شده است و هر عمل، قرار داد و اقدامی که منجر به سیطره و تسلط کفار بر جامعه اسلامی و مسلمانان و کشورهای اسلامی در هر شکلی از اشکال نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی گردد، فاقد اعتبار است و به لحاظ حقوقی الزام آور نیست چنانچه مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در موارد متعددی به قاعده نفی سبیل و نفی سلطه کفار بر مسلمانان و ممالک اسلامی اشاره فرمودند. قاعده نفی سبیل در آثار و اندیشه فقه بزرگ محمد کاظم یزدی هم به نحو چشمگیری تبلور دارد. مستند تعداد قابل توجهی از احکام در آثار فقهی ایشان، قاعده نفی سبیل بوده و در اندیشه فقه سیاسی، اقتصادی ایشان نیز این قاعده کاربرد یافته است. فتاوا، نامه‌ها و مواضع صاحب عروه در این مسائل، ایشان را به شخصیتی بی‌نظیر در عرصه جلوگیری از سلطه‌ی کفار بر مسلمین تبدیل نموده است.

۸. فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۷۱۱) لسان العرب، ج ۱۱، دار صادر، بیروت- لبنان.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۴۱۵) کتاب المکاسب، ج ۳، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ایران.
۳. احمدی، حسین، و دیگران (۱۳۹۲) تاریخ ایران و جهان ۲، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۴. ابوالحسنی، علی (مُنذر) (۱۳۹۰) فواتر از روش آزمون و خطا، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. علی ابوالحسنی (منذر) (۱۳۸۶) مروری بر اندیشه و سیره سیاسی آیت الله صاحب عروه، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۲، ۱۵۰-۱۵۱.
۶. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹) قواعد فقهیه، ج ۱، نشر الهادی، قم، ایران.
۷. بخاری (۱۹۸۱) صحیح بخاری، ج ۲، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. حسینی المراغی (۱۴۱۷) العناوین الفقهیه، ج ۲، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۹. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹) مفتاح الکرامه ج ۲۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ایران.
۱۰. حلّی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰) السرائر، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ایران.
۱۱. حسینی، زبیدی، محمد مرتضی، (۱۳۸۴) تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۴، دارالهدایه، بیروت- لبنان.
۱۲. دوانی، علی (۱۳۷۹) مفاخر اسلام، ج ۱۲، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد بن المفضل (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الكتاب.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانیه گام دوم انقلاب، به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷) تهذیب الأحکام، ج ۶، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ایران.
۱۶. _____ (۱۳۸۷) المبسوط، ج ۲، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ایران.
۱۷. شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱) فقه سیاسی اسلام، ج ۲، ایران، نشر حر، قم.
۱۸. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳) من لایحضره الفقیه، ج ۴، دفتر

- انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۰. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶) مجمع البحرین، ج ۵، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ایران.
۲۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۴) تکملة العروة الوثقی، ج ۲ - ۲، کتابفروشی داوری، قم، ایران.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹) وسائل الشیعة، ج ۲۶، آل البيت (علیهم السلام)، قم.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸) قواعد فقه، ج ۳ (بخش حقوق عمومی)، سمت.
۲۴. _____ (۱۳۶۷) انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، نشر کتاب سیاسی، تهران.
۲۵. عاملی کرکی، محقق ثانی علی بن حسین (۱۴۱۴) جامع المقاصد، ج ۱۲، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ایران.
۲۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳) مسالک الأفهام، ج ۷، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم، ایران.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، انتشارات پاریس، تهران.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۵۲) قاموس قرآن، ج ۳، دارالکتب الإسلامية، تهران، ایران.
۲۹. منتظری، حسین علی (مترجم: صلواتی و همکاران) (۱۴۰۹) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، قم، مؤسسه کیهان.
۳۰. موسوی خمینی (ره)، سید روح الله (۱۴۲۱) کتاب البیع، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ایران.
۳۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴) جواهر الکلام، ج ۲۲ - ۲۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان.
۳۲. ناصر، مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۳) تفسیر نمونه، ج ۲۴، دارالکتب